«استمرار با عنایت به آینده» معنای کلمه‌ی «صلات»

ببینید آنچه که می‌خواهم ذیل فرمایش ایشان عرض کنم، این است: در «صلاة» که مقابل «سلام»...؛ «سلام» هم تحیت است. اگر زنده بودیم، تفاوت آن‌ها را در جلسه‌ی بعد عرض می‌کنم. در «صلاة» به‌دنبال یک چیزی هستیم؛ به‌دنبال نگاه به آینده هستیم. اگر این معنا درست باشد، این آیات را دوباره می‌خوانم. روی این معنا شما دوباره تطبیق بدهید.

آیه‌ی اول که ایشان فرمودند، چه بود؟؛ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»[1]؛ اینجا «ثناء» و «درود» خوب است. اما این «یصلون اللّه و ملائکته علی النبی» طبق معنایی که عرض کردم چه می‌شود؟ یعنی خداوند و ملائکه، کاری می‌کنند که برای پیامبرشان تأمین آتیه کنند. یعنی نگاه به آینده‌ی پیامبر دارند. آن وقت شما «صلّوا». ربطش را می‌رسیم.

شاگرد: یعنی چه نگاه به تأمین آتیه دارند؟

استاد: یعنی صرفاً تحیت به‌معنای زنده باش ِمحض، نیست. اگر بگویی‌م: «انّ‌اللّه و ملائکته یحیّون»، «تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ»[2] تحیت آن جا به چه معنا است؟ یعنی می‌گویند: «سلام». «سلام» چه نوع تحیتی است؟! چرا به جای سلام چیز دیگری نیست؟! می‌خواستم این را عرض کنم. مانعی ندارد. جلسه‌ی بعدی تذکر بده‌ید تا عرض کنم. الآن «سلام» یک جور است، «صلوات» با این معنایی که من عرض کردم نظر دارد به آینده و تأمین آینده.

شاگرد: یعنی در قیامت صلوات نیست، اما سلام هست؟

استاد: بله؛ سلام هست، ولی صلوات نیست. حال فکرش کنید و ببینید جور در می‌آید یا نه. «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ»[3]؛ یعنی خدای متعال نگاه به آینده‌ی پیامبرشان دارند. نگاه به آینده را به چه صورت دارند؟ شما صلوات بفرستید، آینده پیامبرش گسترده می‌شود. یعنی او چون تأمین آینده‌ی پیامبرش را در نظر دارد به شما می‌گوید که صلوات بفرست. چرا؟؛ چون هر چه صلوات بفرستی، سفره‌ی افاضه پیامبرش وسیعتر می‌شود. پس این کاملاً به هم مربوط است. «هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ»[4]، چرا؟ «لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»؛ «یصلی» فقط می‌گوید باشید؟! خیر؛ «لیخرجکم». دارد برای شما تأمین آتیه می‌کند. اصلاً اصل مادی «صلاة»، فقط «ثناء» نیست. «تحیة» محض نیست. پل زدن به آینده‌ی کسی است که بر او درود فرستاده می‌شود. «پایندە باشی» فقط به‌معنای «نفس بکشی» نیست. «پایندە باشی» یعنی «آینده‌ی روشن داشته باشی». این مقصود من است. البته به تناسب خودش.

بنابراین اینکه می‌گویند صلات از ناحیه‌ی خداوند یعنی ایجاد الرحمة، این معنا زیر سؤال می‌رود. یعنی دعا از ناحیه‌ی خلق است. دعا یعنی خواستن یک امری که نیست. می‌خواهم در آینده بیاید. محال است شما برای چیزی که هست، دعا کنید.

شاگرد: برای تقویتش چه؟

استاد: تقویت یک چیزی که الآن هست؟ الآن که گذشت. دو تا که نمی‌شود. لذا در آینده است. پس حتی اگر برای تقویت یک امری دعا کنید، آینده‌ی او را در نظر دارید. شما در آینده، نظر می‌کنید به کمال. بنابراین خدای متعال هم اگر بر پیامبرش درود می‌فرستد، نه یعنی ایجاد الرحمة. یعنی الآن خدای متعال به آینده‌ی بنده‌اش نظر دارد. «تحیة» این است که آینده‌ی خوبی داشته باشد. الآن منظور نیست. اگر روی معنای لغوی اینها سر برسد به گمانم آن چیزهایی که معروف است عوض می‌شود. ملائکه هم که صلوات می‌فرستند، نه یعنی طلب رحمت می‌کنند. درست است که طلب الرحمة به معنای دعا است، اما اینجا صرفاً مقصود، طلب الرحمة نیست. یعنی نظر داشتن به آتیه.

شاگرد: یعنی در آن اخبار است؟

استاد: خیر؛ دعا است. اما دعائی است که در دلش تنها طلب الرحمة نیست. عنایت لغت به این است که نظر به تأمین آتیه‌ی او دارد.

شاگرد: چه نظری دارد؟

استاد: گاهی کسی را می‌بینید و می‌گویید این باشد و خوب است و از بین نرود و هلاک نشود. شما بچه‌ای را در خانه می‌بینید، وارد خانه که شدی، می‌گویی: زنده باشی، سالم باشی و ... . اما یک وقتی است که وارد یک کلاس دانش‌آموز می‌شوید، وقتی به دانش‌آموز نگاه می‌کنید و خواستید برای او دعا کنید، چه دعایی می‌کنید؟ می‌گویی: به خانه که رفتی، زنده باشی، غذای خوبی بخوری؟! در کلاس برای او چه دعایی می‌کنی؟ می‌گویید: ان شاء اللّٰه آینده‌ی روشنی داشته باشی. مقام دعا کردن برای دانش‌آموز در کلاس این نیست که بگویی رفتی خانه غذای خوبی بخوری. می‌گویی این کلاس برای تو آتیه داشته باشد. منظور من این است.

شاگرد: برای شخص پیامبر اکرم صلّی اللّٰه علیه و آله یعنی شما به مقام محمود برسی و به منبر وسیله برسی؟

استاد: بله؛ یعنی وقتی خدای متعال بر پیامبرش صلوات می‌فرستد، دارد کاری می‌کند که در آینده‌ی این پیامبرش مقام وسیله، شفاعت عظمی را داشته باشد. نه اینکه الآن برای پیامبرش ایجاد الرحمة می‌کند. این معنای لغت صلات نیست. چون در لغت صلات یک نحو استمرار با عنایت به آینده خوابیده است. این حاصل عرض بنده است.

شاگرد: «ای ایها الذین آمنوا صلّوا علیه» هم به همین معنا است؟

استاد: بله؛ دقیقاً همین است. «سلّموا» را هم ان شاء اللّٰه عرض می‌کنم. روی آن فکر کنید و ببینید این حرف درست است، پایش به جای بند هست یا نه؟ اگر برای آن شواهدی پیدا شد، آن وقت در نبالهی روایت را که حضرت علیه السلام فرمودند: «و باالصلاة یناولون الرحمة، فاکثروا...» را عرض می‌کنم. با این صلاتی که شما می‌فرستید به رحمت می‌رسید، «فاکثروا». خُب، چطور ما داریم برای حضرت دعا می‌کنیم، اما خودمان به رحمت می‌رسیم؟! ارتباط این دو چطور می‌شود؟ بعد هم به آیه استشهاد کرده‌اند که خداوند و ملائکه درود می‌فرستند، شما هم بفرستید. ارتباط دارد یا ندارد.

و الحمدللّه ربّ‌العالمین و صلّی اللّه علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

---

[1]. الاحزاب، آیه‌ی ۵۶.

[2]. همان، آیه‌ی ۴۴.

[3]. همان، آیه‌ی ۵۶.

[4]. همان، آیه‌ی ۴۳.

بازبینی #2
ایجاد شده 7 مارس 2024 11:47:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 مارس 2024 12:57:34 توسط ... .